

روزنامه ایران؛ بوق یا رسانه دولت؟

بگیریم، روزنامه ایران باید کارکرد روابط عمومی داشته باشد، یعنی:

- ابزاری باشد که بر شیوه تصمیم‌گیری دولت اثر بگذارد.
- دولت ذی‌نفعانی دارد (که به گستردگی کل جامعه است) و روزنامه باید ابزاری برای شناسایی روابط و منافع متقابل بین دولت و ذی‌نفعانش باشد.

- روزنامه باید به تصمیم‌گیری دولت از طریق ارائه اطلاعاتی که با روش‌های اخلاقی و قابل اعتماد حاصل شده‌اند، کمک کند. کارکرد اطلاع‌رسانی روزنامه نیز می‌تواند در خدمت تصمیم‌گیری دولت باشد و این کارکرد نیز باید با روش‌های اخلاقی صورت گیرد.

- سرجمع کارکرد این ابزار روابط عمومی باید بر اعتبار و خوشنامی سازمان دولت بیفزاید.

سؤال مهم پیش روی دولت، سیاستگذاران خط‌مشی رسانه‌ای روزنامه ایران و مدیران روزنامه این است که چگونه می‌خواهند کارکردهای روزنامه را با چنین تعریفی از نسبت روزنامه ایران به عنوان بخشی از روابط عمومی دولت تطبیق دهند؟

ادامه نظام مفهومی‌ای که برای صورت‌بندی و چهارچوب‌بندی کارکرد روزنامه ایران ارائه کردم به دو مقوله اعتماد و بی‌طرفی مربوط می‌شود. کارکرد روزنامه ایران باید بی‌طرفانه باشد.

منظورم این نیست که این روزنامه نمی‌تواند بازتاب‌دهنده فعالیت دولت یا اطلاع‌رسانی مؤثر جهت‌گیری، تصمیمات و اقدامات دولت باشد، بلکه منظور این است، روزنامه ایران که با ذی‌نفعان دولت در ایران ارتباط دارد، و تعداد این ذی‌نفعان به گستردگی ایران است، باید سطح بسیار بالایی از بی‌طرفی در بررسی موضوعات، اطلاع‌رسانی، بازتاب دادن اخبار مربوط به ذی‌نفعان، و ارائه تحلیل‌ها و متون و تصاویر را از خود بروز دهد. فضیلت دولت در بی‌طرفی به هنگام اجراست. بی‌طرفی دولت در تصمیم‌گیری معنا ندارد. هر دولتی طرفدار دیدگاه، سیاست‌ها یا جهت‌گیری‌هایی است اما فضیلتش در این است که تصمیمات را بی‌طرفانه اجرا کند. روزنامه ایران به عنوان بخشی از روابط عمومی دولت، بازوی ارتباطی و اطلاع‌رسانی این بی‌طرفی در اجراست.

نکته نهایی اینکه ترکیب ایفای کارکردهایی که روزنامه ایران در مسیر تبدیل شدن به بخش مؤثری از روابط عمومی دولت ایفا می‌کند، باید مولد اعتماد باشد. روزنامه ایران باید به گونه‌ای عمل کند که هم خودش رسانه‌ای قابل اعتماد باشد و به تقویت مرجعیت رسانه‌ای داخل کشور کمک کند، و هم حرکت سازمان دولت به سمت اعتمادسازی با جامعه را تقویت کند. رسانه و دولت قابل اعتماد می‌تواند محصول نهایی عملکرد روزنامه ایران باشد. بدیهی است اعتمادسازی به غیر از عملکرد رسانه‌ای، محصول کارکردی بودن، حل مسأله و سایر کیفیات دولت نیز هست اما مهم این است که روزنامه ایران چگونه خود بخشی از این عوامل اعتمادساز و مولد قدرتی رسانه‌ای برای واداشتن بقیه اجزا و کارکردهای دولت برای حرکت به سمت اعتمادسازی است. روزنامه‌ای که بخواهد رسانه دولت باشد نه بوق دولت، باید نظریه و نظام مفهومی مشخصی را راهنمای عمل خود قرار دهد که برداشت مدرن از روابط عمومی، بی‌طرفی دولت و اعتمادسازی را مدنظر قرار دهد.



محمد فاضلی
جامعه‌شناس

سالگرد تأسیس و انتشار روزنامه ایران است و به این مناسبت می‌خواهم از زاویه سه مفهوم دولت، اعتماد و روابط عمومی به بایسته‌ها و شایسته‌های روزنامه ایران بپردازم و همان‌گونه که از عنوان مطلب روشن است، تفاوت رسانه دولت را با بوق دولت آشکار کنم. قضاوت درباره اینکه روزنامه ایران در چه زمان‌هایی به صورت بوق دولت عمل کرده و چه زمانی

رسانه دولت بوده، موضوعی تجربی است و به پژوهش نیاز دارد. اما هدفم بیشتر نظروزی درباره چهارچوبی است که می‌تواند بر دوران جدید فعالیت روزنامه ایران در دولت چهاردهم حاکم باشد.

مفهوم «بوق دولت» را در دو معنا به کار می‌برم: معنای اول، بوق به معنای ابزاری است که سردسته‌های تشویق تیم‌های ورزشی در ورزشگاه‌ها در دست می‌گیرند و هدفشان از دمیدن در بوق، تهییج طرفداران، ساکت کردن صدای تیم رقیب و بزرگ‌نمایی عملکرد تیم خودی است به نحوی که سبب تقویت روحیه شود. معنای دوم بوق، ابزاری در خودروها و وسایل نقلیه است که به عابران یا سایر خودروها هشدار می‌دهد وسیله‌ای در حرکت وجود دارد و باید آن را در نظر بگیرند. این بوق دومی، بیشتر به کار اعلام موضع می‌آید. روزنامه ایران در هر

دو معنای بوق می‌تواند وجود داشته باشد، یعنی بوقی که تیم خودی (دولت مستقر) را تشویق می‌کند، اعضای تیم خودی را به هیجان می‌آورد و از آن برای ترساندن یا هشدار دادن به بقیه حاضران در عرصه سیاست هم می‌توان استفاده کرد. این بوق می‌تواند اعلام موضع هم بکند. اما به گمان من این کارکرد را برای روزنامه ایران قائل شدن، در شأن نام آن هم نیست چه رسد به اینکه کارکردش باشد.

من ترجیح می‌دهم روزنامه ایران و کارکردش در راستای سه مفهوم دولت، اعتماد و روابط عمومی و فضیلت‌های مربوط به آنها تعریف شود. اول پرسیم فضیلت دولت در چیست؟ برای بحث من کفایت می‌کند که بگوییم فضیلت دولت در: ۱. تولید کالای عمومی، ۲. ارتقای ظرفیت حل مسأله‌های جامعه، و ۳. بی‌طرفی در اجرای قوانین و تصمیمات، است. ذی‌نفعان دولت هم در رابطه با همین سه مقوله تعریف می‌شوند. ذی‌نفعان کسانی هستند که تولیدکننده و مصرف‌کننده کالای عمومی‌اند؛ مسائلی دارند که دولت باید آنها را حل کند یا ظرفیت حل مسأله همبسته جامعه-حکومت برای حل آن مسأله‌ها را ارتقا دهد؛ و درست این است که دولت در گفتار و رفتارش بالاخص در اجرای قوانین و تصمیمات نسبت به همه ذی‌نفعان بی‌طرف باشد. سؤال این است که روزنامه ایران اگر بخواهد رسانه دولت باشد، نقش خود را در قبال این سه مقوله چگونه باید تعریف کند. پاسخ دادن به این سؤال، ما را با مفهوم روابط عمومی درگیر می‌کند.

انجمن بین‌المللی روابط عمومی تعریفی از روابط عمومی ارائه کرده است با این مضمون «شیوه‌ای از مدیریت تصمیم‌گیری است که وظیفه آن ایجاد روابط و منافع متقابل سازمان‌ها و ذی‌نفعان‌شان، بر اساس ارائه اطلاعات و از طریق روش‌ها و ابزارهای ارتباطی قابل اعتماد و اخلاقی است، که حفظ اعتماد ذی‌نفعان و محافظت و ارتقای اعتبار و خوشنامی سازمان را نیز دنبال می‌کند.» اگر دولت را سازمان در نظر



روزنامه ایران
و کارکردش در
راستای سه مفهوم
دولت، اعتماد
و روابط عمومی
و فضیلت‌های
مربوط به آنها
تعریف می‌شود.
اول پرسیم
فضیلت دولت
در چیست؟
برای بحث من
کفایت می‌کند که
بگوییم فضیلت
دولت در: ۱. تولید
کالای عمومی، ۲.
ارتقای ظرفیت
حل مسأله‌های
جامعه، و ۳.
بی‌طرفی در
اجرای قوانین و
تصمیمات، است